



# راه نجات صنعت نساجی



سرمايه‌گذاري نوده و با پيچيدگي‌هاي فناورانه كمتري روبه‌روست.

سوم و از همه مهم‌تر اينكه توسعه اين صنايع از طريق پيوندهاي پسين و پيشيني كه ايجاد مي‌كنند و سرريزهائي كه براي ساير صنايع به همراه دارند، مي‌تواند محرک صنعتي شدن ساير صنايع باشد. اين سه ويژگي از جمله دلايل توجه ويژه دولت‌ها به اين صنايع است.

حال آنكه در ايران، با وجود پرقدمت بودن اين صنايع، نزول سهم اين صنايع از ۵/۲۵ درصد از ارزش افزوده كل بخش صنعت در سال ۱۳۷۰ به حدود ۵ درصد در سال ۱۳۹۸ از افول آنها حكايت دارد.

در نتيجه تبين وضع دقيق موجود در صنايع نساجي و پوشاك كشور و بررسي چالش‌هاي اصلي آنها و ارائه راهكارهاي موثر حائز اهميت است.

## جايگاه صنايع نساجي و پوشاك

پوشاك و نساجي جزو صنايع وسيع و متنوع محسوب مي‌شوند كه با بهره‌مندی از ۷ درصد تعداد كارگاه‌هاي صنعتي بالاي ۱۰ نفر كاركن از صنايع مهم كشور به شمار مي‌آيند.

با اين حال از آنجا كه بحث به سهم تعداد شاغلان صنعتي بازمي‌گردد، اين عملكرد در سطح پايين‌تر و

استفاده در صنعت نساجي به‌منظور کاهش انحصارات، ايجاد واحدهاي جديد پتروشيمي به منظور تامين مواد اوليه موردنياز و توسعه ظرفيت‌هاي صادراتي با تمرکز همزمان بر تنوع‌بخشي به سبد محصولات و مقاصد صادراتي است.

## اهميت صنعت نساجي

نساجي و پوشاك، جزو صنايع مهم و كليدي براي اقتصادهاي مختلف دنيا محسوب مي‌شوند و در تجربه توسعه صنعتي كشورهاي موفق در دو قرن گذشته، همواره نقش پيشران را در مرحله‌اي از توسعه آنها ايفا کرده‌اند.

اين صنايع از مزيت‌هاي ارزش‌آفريني بالا و اشتغال‌زايي گسترده در کنار تحريك توسعه ساير صنايع و سرريزه‌هاي گسترده افقي و عمودي برخوردار بوده و از همين منظر نقش پيشران را در اين كشورها ايفا کرده‌اند.

نساجي و پوشاك از سه‌ويژگي شاخص برخوردارند كه همواره براي صنعتي شدن، بسيار اهميت دارند. اول اينكه توليدات اين صنايع از ارزش افزوده بيشتري نسبت به بسياري از صنايع ديگر برخوردار است.

دوم اينكه سبك و كاربر هستند. سبك بودن به اين معناست كه توسعه اين صنعت نيازمند حجم بالاي

صنايع نساجي و پوشاك ايران با وجود تراز تجاري منفي بيش از ۱۱۷۰ ميليون دلاري، از صنايع كارآي كشور هستند كه بهره‌وري و خلق ارزش افزوده بالايي دارند؛ اما کاهش بيش از ۲۰ درصدی سهم صنايع نساجي و پوشاك از توليدات صنعتي از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۸ زنگ خطر بزرگ اين صنايع است.

اين صنايع كه پتانسيل‌هاي زيادي در خود مي‌بينند و در نوک پيكان صنايع خالق ارزش قرار دارند، موانع و چالش‌هاي زيادي از قبيل قاچاق کالا، پراكندي آمابشي واحدها، نبود نظارت و شفافيت كافي و در نتيجه فعاليت‌هاي واحدهاي غيرمجاز با توليدات ارزان و بي‌كيفيت، مشكلات زنجيره تامين مواد اوليه، زنجيره ارزش براي متحدر شدن صنعتگران، فرسوده شدن ماشين‌آلات و تجهيزات اين صنايع، نبود قابليت رقابت‌پذيري و ناتواني در صادرات، آنها را رنجور کرده است.

در همين زمينه، مركز پژوهش‌هاي مجلس شوراي اسلامي كه گزارش مفصلي از قابليت‌هاي بالاي صنايع نساجي و پوشاك و نقش آنها در صنايع ديگر كشور و رشد آنها تهيه کرده، پنج راهبرد اصلي را براي بهبود شرايط اين دو صنعت ارائه کرده است كه مهم‌ترين راهبردها شامل بهبود فناوري‌هاي مورد

معادل ۵/۶ درصد است.

با توجه به ماهیت کاربرد صنایع نساجی و پوشاک، شکاف عملکردی میان سهم از تعداد کارگاه‌های فعال و تعداد شاغلان، می‌تواند در نتیجه تولید زیر ظرفیت در بنگاه‌های فعال در این صنایع رخ داده باشد که نتیجه آن کاهش توانایی بنگاه‌های این دو صنعت در ایجاد اشتغال است.

با توجه به سهم ۱/۸ درصدی این صنایع از ارزش نهاده‌های مصرفی و سهم ۲ درصدی ارزش ستانده حاصله، می‌توان دریافت که در مقایسه سهم این صنایع از تعداد کارگاه‌ها و شاغلان صنعتی، حجم فعالیت به مراتب پایین‌تر است و این دلیل تولید زیر ظرفیت است.

#### \* عملکرد صنایع نساجی و پوشاک

براساس آمار منتشرشده، پوشاک و نساجی با بهره‌مندی ۷ درصدی از کل بنگاه‌های صنعتی بالای ۱۰ نفر کارکن، تنها معادل ۶/۲ درصد از ارزش افزوده صنعتی حاصل از این گروه بنگاه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند.

البته برحسب کل تولید صورت‌گرفته در این صنایع، سهم ارزش افزوده حاصله تا ۸/۴ درصد از کل ارزش افزوده صنعتی کشور قابل افزایش است.

البته این بهبود عملکرد درحالی است که اطلاعات دقیقی از تعداد بنگاه‌های خرد در این صنایع موجود نیست و این خود به سخت شدن فرآیند مدیریت و سیاستگذاری در آنها منجر می‌شود.

همچنین، بهترین عملکرد نسبی بنگاه‌های فعال در این صنایع در برابر سایر بنگاه‌های دارای مقیاس مشابه در صنعت، از منظر ارزش ستانده حاصله، مربوط به بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن است.

این مساله به نحو شدیدتر در خصوص ارزش افزوده حاصل از تولیدات بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن نساجی و پوشاک در مقایسه با سایر بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارکن فعال در بخش صنعتی کشور قابل مشاهده است.

#### \* عملکرد صنایع نساجی و پوشاک در صادرات

براساس آمار، در مقابل صادرات رسمی ۴۹۴/۵ میلیون دلاری کشور، حجم واردات برابر با ۱۶۶۶/۲ میلیون دلار بوده که نشان‌دهنده تراز تجاری منفی کشور به میزان ۱۱۷۱/۷ میلیون دلار است.

البته این عملکرد بدون احتساب حجم تجارت خارجی کشور است. با وجود اینکه صنایع نساجی و پوشاک به لحاظ رقم کل ارزش‌آوری، جزو صنایع ضعیف صادراتی محسوب می‌شوند، اما به لحاظ ظرفیت‌های بالقوه ارزی (که از محاسبه ارزش هر کیلوگرم به دلار محصول صادراتی به دست می‌آید)، صنایع مهمی هستند

آمارها حاکی از آن است که ارزش نسبی کالای صادراتی در صنایع پوشاک و نساجی در مقایسه با سایر صنایع منبع‌پایه بسیار بالاتر است (به ترتیب ۱۱، ۶ و ۲ دلار برای فرش، پوشاک و نساجی به‌ازای هر کیلوگرم) که مبین ظرفیت‌های بالقوه این صنایع برای ارزش‌آوری در صورت سیاستگذاری صحیح است. براساس آمار، مهم‌ترین قلم صادراتی در هر دو گروه بنگاه‌های بین ۱۰ تا ۴۹ نفر و بالای ۵۰ نفر کارکن مربوط به محصولات ریسندگی، بافندگی و تکمیل منسوجات است که کالاهایی کاملاً واسطه‌ای محسوب می‌شود.

در زمینه پوشاک که یک محصول نهایی محسوب می‌شود، عملکرد صادراتی بسیار ضعیف است و آنچه این عملکرد را ضعیف‌تر می‌سازد، آن است که بنگاه‌های بزرگ در زمینه صادرات پوشاک بسیار فعال‌تر از این میزان عمل کنند.

در مجموع می‌توان گفت عملکرد صادراتی بنگاه‌های بالای ۵۰ نفر کارکن در زمینه سایر محصولات نساجی (قالی و قالیچه و سایر منسوجات آماده) به مراتب بهتر از عملکرد آنها در «زنجیره ارزش نساجی و پوشاک» است.

#### \* آسیب‌شناسی صنایع نساجی و پوشاک

چالش‌ها و موانع موجود بر سر راه صنایع نساجی و پوشاک را می‌توان در سه سطح «چالش‌ها و نواقص موجود در محیط داخلی (زنجیره ارزش)»، «چالش‌های برآمده از عملکرد محیط خارجی نزدیک (مشکلات ساختاری صنایع نساجی و پوشاک)» و «چالش‌ها و مسائل ناشی از محیط خارجی دور (سیاستی)» دسته‌بندی کرد.

#### \* چالش‌های ضعف عملکرد در زنجیره ارزش

نقایص زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک به واسطه جایگاه ضعیف خدماتی‌سازی در این صنایع یکی از سنجه‌های مناسب در تعیین شدت

خدماتی‌سازی و توجه به پرداخت‌های غیرصنعتی در صنعت مورد نظر است.

براساس مطالب پیش‌گفته، سهم صنایع نساجی و پوشاک از کل پرداخت‌های غیرصنعتی در مجموعه صنعت کشور به کمتر از یک درصد رسیده که با توجه به سهم این صنایع از ارزش افزوده صنعتی، رقم بسیار ناچیزی است.

درواقع، در صنایع نساجی و پوشاک، عمده تمرکز بنگاه‌ها بر قسمت‌های فیزیکی زنجیره ارزش (تامین مواد اولیه، تولید و فروش) است.

این درحالی است که توزیع ارزش در زنجیره کسب‌وکار بر انواع خدمات به‌ویژه در بخش‌های ایده‌پردازی، ترکیب مواد و طراحی محصول یا خدمت و بازاریابی و نحوه عرضه آن به مصرف‌کننده نسبت به بخش تولید متکی است. طبق آمار، سهم پایین هزینه‌های تحقیق، توسعه و طراحی از کل پرداختی بخش صنعت در عمده زیربخش‌های صنایع نساجی و پوشاک در مقایسه با بخش صنعتی کشور مؤید یک‌عارضه جدی در زنجیره خدماتی‌سازی در این صنایع است.

#### \* انگیزه پایین ارتقای بهره‌وری در شرکت‌ها

انگیزه پایین بهره‌وری عوامل تولید در شرکت‌ها در نتیجه عوامل مختلف رخ داده است که از آن جمله می‌توان به کاهش حاشیه سود در این صنعت، ضعف بهره‌مندی از نیروی انسانی خلاق و با بهره‌وری بالا و همچنین فرسودگی تجهیزات و ماشین‌آلات اشاره کرد.

طبق آمار، در کل دوره مورد بررسی، نسبت بهره‌وری این دو صنعت کمتر از متوسط بهره‌وری بخش صنعت بوده است.

درواقع، به نسبت تعداد شاغلان صنایع نساجی و پوشاک انتظار می‌رفت سطح تولید بالاتری حاصل شده باشد که به سبب پایین بودن بهره‌وری در صنایع مذکور، این مهم محقق نشده است.

#### \* چالش‌های مرتبط با نقایص زنجیره تامین

از آنجا که مواد اولیه مصرفی در تعیین قیمت تمام‌شده کالای نهایی نقش بسزایی دارند، توجه به قیمت، کمیت و کیفیت مواد اولیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بر این اساس، در الباف طبیعی با منشأ گیاهی، سطح

پایین خودکفایی در تولید داخلی الیاف طبیعی با منشأ گیاهی (مانند پنبه، کف، کتان، سیسال، کناف و لیف) به‌ویژه در زمینه پنبه با سطح خودکفایی کمتر از ۵۰ درصد و هزینه تمام‌شده بالای الیاف پنبه‌ای به سبب هزینه‌های بالای نوسازی ماشین‌آلات پنبه‌پاک‌کنی و لوازم بیدکی وارداتی، جزو مهم‌ترین مشکلات است.

همچنین در الیاف طبیعی با منشأ حیوانی، سهم عمده الیاف پشم مصرفی کشور برای تولید پارچه از طریق واردات تامین می‌شود و این مهم‌ترین مشکل این بخش است. ضمناً در الیاف مصنوعی با پلیمرهای مصنوعی، مهم‌ترین مشکلات، ساختار انحصاری بازار الیاف پلی‌اکریلیک و ماده اولیه الیاف پلی‌استر، وابستگی کامل الیاف پلی‌اکریلیک به واردات اکریلونیتریل و کمبود موجود در زمینه تولیدات داخلی الیاف پلی‌پروپیلن هستند.

همچنین در الیاف مصنوعی با پلیمرهای طبیعی، نیاز وارداتی در زمینه ویسکوز و برخی دیگر از انواع الیاف مصنوعی با پلیمرهای طبیعی مانند لیوسل، کوپر، آمونیوم، پلی‌موزیکی، ویسکوز ریون و استات، مهم‌ترین مشکل است.

در صنایع وابسته هم نیاز به واردات بخش زیادی از رنگ‌زاهای نساجی و خرج کار پوشاک یعنی یقه، دکه و زیپ، مهم‌ترین مشکل است.

#### \*ضعف فناوری تولید و فرسودگی تجهیزات

متوسط عمر بیش از ۷۰ درصد ماشین‌آلات مورد استفاده در کشور حدود ۳۰ سال است و در همین حال، صنعت نساجی به دلیل عدم بهره‌مندی از فناوری‌های جدید و به‌روز و همچنین دانش فنی، در مقایسه با صنعت نساجی دنیا عقب‌تر بوده و قدرت رقابت در آن، در حال تضعیف است.

نگاهی به سیر تحولات تشکیل سرمایه در تولید نشان می‌دهد که روند به‌شدت نوسانی و در اغلب موارد، سیر نزولی تشکیل سرمایه در بخش صنعت نساجی، حاکی از فرسوده شدن فناوری تولید در این بخش و زوال تولید صنعتی است.

براساس آمار، در حالی که سهم تشکیل سرمایه ثابت صنعت نساجی از کل صنعت در سال ۱۳۸۱ برابر با ۷/۱ درصد بوده و حتی در سال ۱۳۸۲ به عدد ۳/۱۰ درصد نیز رسیده، طی یک‌روند نزولی به میزان ۱/۱

۳ درصد در سال ۱۳۹۸ تنزل کرده است.

این روند نزولی به‌طور مشابه برای صنعت پوشاک نیز مشاهده می‌شود؛ به‌طوری که سهم ۲۲/۰ درصدی این صنعت در سال ۱۳۸۱ به ۱/۰ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است.

در نهایت در برخی موارد بنگاه از تجهیزات و فناوری‌های به‌روز برخوردار است؛ اما به دلیل فقدان نیروی انسانی آموزش‌دیده، متخصص و خلاق امکان بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های تجهیزات وجود ندارد.

#### \*چالش‌های ناشی از قدرت پایین رقابت‌پذیری

صنایع نساجی و پوشاک کشور با وجود برخورداری از حمایت‌های تعرفه‌ای به سبب فشار کالاهای قاچاق، بخشی از بازار داخل را از دست داده‌اند.

در تبیین علل رخداد این مساله باید به وضعیت نامطلوب سه‌مقوله اساسی رقابت‌پذیری شامل «گرایش به برند»، «قیمت و مقایسه اقتصادی» و «شاخص‌های کیفی» توجه کرد که تاثیر مستقیمی بر انتخاب مشتری برای خرید محصولات داخلی در برابر رقبای خارجی دارند.

در واقع، حتی اگر به‌لحاظ شاخص‌های کیفی و برند، تولیدات داخل توان رقابت با مشابه خارجی را داشته باشند، از منظر قیمت پایین‌تر کالاهای قاچاق که در معرض هیچ‌گونه مالیات قرار ندارند، شرایط رقابت برای تولیدات داخل بسیار سخت است.

#### \*چالش‌های ناشی از گرایش پایین صادراتی

کاهش توان رقابت‌پذیری محصولات تولیدی (از نظر قیمت تمام‌شده، کیفیت محصولات تولیدی و تنوع پایین سبد صادرات پوشاک ایران) چالش مهمی است که صنایع نساجی و پوشاک نه‌تنها در بازار داخلی بلکه در بازار جهانی نیز با آن مواجه هستند.

علاوه بر این، گرایش پایین صادراتی در بنگاه‌های بزرگ عامل دیگری است که مشکل فوق را تشدید می‌کند.

بنگاه‌های دارای ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن اتکای بیشتری به درآمدهای صادراتی در مقایسه با بنگاه‌های بالای ۵۰ نفر کارکن دارند و این عملکرد عمدتاً در خصوص حلقه‌های ریسندگی و بافندگی است.

درواقع، در حلقه پوشاک که بالاترین توان خلق ارزش افزوده مورد انتظار است، اتکای صادراتی در این

بنگاه‌ها به‌مراتب پایین‌تر است.

این مساله به‌نحو شدیدتری در بنگاه‌های دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن با اتکای پایین‌تر به درآمدهای صادراتی قابل‌ردیابی است.

این مساله به چند جهت محل اشکال است که مهم‌ترین آنها، اتکای بالای برندهای برتر به بازار داخل و انگیزه محدود صادراتی است.

#### \*چالش‌های ناشی از شبکه عرضه سنتی

بررسی ارقام نشان می‌دهد که ۱۸ درصد اصناف نساجی و پوشاک جزو ۱۲۰ هزار صنف تولیدی کشور هستند

مشکل اصلی این واحدها، فعالیت سنتی است.

این مساله به نظارت و سازماندهی ضربه می‌زند و امکان قاچاق کالاها را در شبکه پوشاک کشور میسر می‌سازد. این موارد به کوچک‌تر شدن بازار داخلی برای تولیدات داخلی و تنگ‌تر شدن فضای رقابت در صنایع منجر می‌شوند.

ضعف ساختاری در واحدهای زیرپله‌ای نکته دیگری است که به دلیل فعالیت گسترده این واحدها در پوشاک و نساجی، می‌توان نتیجه گرفت بخش عمده توزیع به صورت انفرادی و بدون توسعه فروشگاه‌های تخصصی عرضه محصولات انجام می‌شود.

جالب اینکه از نظر پراکندگی جغرافیایی، دو استان یزد و اصفهان بیشترین تمرکز واحدهای صنعت نساجی را به خود اختصاص می‌دهند (۴۲ درصد کل صنعت).

در صورتی که برحسب اشتغال و سرمایه اختصاص‌یافته، سهم این دو استان به ترتیب معادل ۲۸ و ۳۱ درصد است که نشان‌دهنده وجود تعداد واحدهای کوچک‌مقیاس در این دو استان است.

اما از نظر پراکندگی واحدهای پوشاک، بیشترین تمرکز واحدها متعلق به استان تهران و بعد از آن، مناطق آزاد و ویژه اقتصادی است. سهم این واحدها از سرمایه اختصاص‌یافته و اشتغال، به ترتیب معادل ۵۳ و ۴۴ درصد است که حاکی از سهم بیشتر بنگاه‌های بزرگ‌مقیاس در این واحدهاست.

آمار ارائه‌شده حاکی از آن است که تناسبی میان استقرار واحدهای نساجی و پوشاک وجود نداشته و تعداد محدود بنگاه‌های بزرگ‌مقیاس امکان بهره‌مندی از صرفه‌های ناشی از مقیاس را محدود می‌کند.

در بیان راهبرد چهارم با عنوان توسعه برندهای ملی به منظور حضور در بازارهای جهانی و زنجیره‌های ارزش بین‌المللی، اقداماتی از قبیل ایجاد پنجره واحد ثبت نشان تجاری، ساماندهی صادرات شرکت‌ها در قالب شرکت‌های مدیریت صادرات یا چتر برند ملی و توسعه پلتفرم‌های مشترک بازاریابی و فروش صنایع نساجی و پوشاک با تاکید بر نمایندگی‌های چندبرندی در بازار داخلی و خارجی، مطرح شده‌اند.

در راهبرد پنجم و نهایی، بر تغییر ساختار بنگاهی صنایع نساجی و پوشاک به سمت ساختار متکی بر مقیاس و رقابت تاکید شده و در این راستا نیز بر توسعه مراکز مهارتی طراحی و مد، ایجاد مراکز نوآوری و شتاب‌دهنده‌های تخصصی در حوزه تجهیزات موردنیاز صنایع نساجی و پوشاک، بازنگری در نظام ارزیابی کیفیت متناسب با استانداردهای جهانی و منطقه‌ای، بازنگری در نظام خدمات پس از فروش نمایندگی‌ها، کاهش هزینه‌های بازاریابی و فروش در طول زنجیره در جهت کاهش قیمت مصرف‌کننده و افزایش تقاضا از طریق روش‌های مدرن نظیر فروش اینترنتی و طراحی پلتفرم شبکه‌سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ صنعت در قالب روابط قراردادی و غیرقراردادی، تاکید شده است.

در همین راستا متناظر با راهبردهای احصاشده، هدف‌گذاری برای تامین مواد اولیه صنایع داخلی از طریق هماهنگی وزارت نفت، صنعت و توسعه و تکمیل زنجیره ارزش صنایع بالادست پتروشیمی متناسب با سیاست صنعتی و ملاحظات سند ملی آمایش سرزمین، تعیین متولی و اتخاذ سازوکارهای حمایتی و تامین اعتبارات لازم برای اجرای طرح بازسازی و نوسازی صنایع، ایجاد بسترهای لازم برای توسعه و حمایت از شرکت‌های مدیریت صادرات و ثبت برند، بازنگری در حمایت‌های تعرفه‌ای با رعایت شاخص‌های میزان عمق ساخت داخل کالای مورد نظر و نقش آن در زنجیره ارزش محصول نهایی، ارائه سیاست‌های حمایتی برای تشویق واحدهای نوآور به منظور ارتقای فناوری و طراحی مشوق‌ها برای ایجاد روابط پایدار و شکل‌گیری پیوندهای افقی و عمودی میان واحدهای تولیدی و سازماندهی آنها در طول زنجیره ارزش در برنامه هفتم توسعه پیشنهاد شده است.



پتروشیمی در راستای تامین مواد اولیه موردنیاز صنایع داخلی متناسب با سیاست صنعتی و ملاحظات سند ملی آمایش سرزمین، توسعه شهرک‌های صنعتی نساجی و پوشاک با رعایت ملاحظات سند ملی آمایش سرزمین، طراحی مشوق‌ها برای ایجاد روابط پایدار و شکل‌گیری پیوندهای افقی و عمودی میان صنایع نساجی با تولیدکنندگان مواد اولیه و تولیدکنندگان پوشاک، ارائه سیاست‌های حمایتی برای تشویق تجمیع تقاضای تجهیزات موردنیاز صنایع نساجی و پوشاک و توسعه نظام تامین مالی زنجیره‌ای، اشاره شده است.

در راهبرد دوم که با عنوان بهبود فناوری‌های مورد استفاده در صنعت نساجی به منظور کاهش انحصارات و بهبود باز یافت پساب صنعتی مطرح شده، اقداماتی از قبیل اعطای معافیت‌ها و مشوق‌ها به واحدهای نوآور متناسب با شاخص‌های خروجی محور قابل‌رصد و ارائه برنامه جامع بازسازی و نوسازی صنایع کشور با اولویت واحدهای نساجی به‌ویژه بافندگی، در راس قرار گرفته‌اند.

راهبرد سوم که با عنوان توسعه ظرفیت‌های صادراتی با تمرکز هم‌زمان بر تنوع‌بخشی به سبد محصولات و مقاصد صادراتی مطرح شده، اقداماتی از قبیل طراحی سازوکار تولید مشترک با برندهای منطقه‌ای و جهانی با بهره‌گیری از مزیت نیروی کار ارزان، بازنگری در تعرفه واردات مواد اولیه و واسطه‌ای تولیدات نساجی و پوشاک با توجه به عمق ساخت داخل و نیاز این صنایع و تقویت بازرسی‌ها و سامانه‌های اطلاعاتی در مبادی ورودی کشور برای مبارزه موثرتر با قاچاق به عنوان راهکارهای لازم، اعلام شده‌اند.

## \*واحدهای غیرمجاز با تولیدات بی کیفیت

بخشی از واحدهای عرضه‌کننده پوشاک به‌ویژه پوشاک با برند خارجی، به صورت غیرمجاز فعالیت می‌کنند

در این واحدها نه تنها کالای قاچاق عرضه می‌شود، بلکه حتی استانداردهای فنی و بهداشتی همچون شست‌وشوی لباس به صورت نامناسب انجام می‌شود. این مساله با توجه به کمتر بودن هزینه‌های فعالیت در این واحدها به نسبت واحدهای مجاز، به نابرابر شدن شرایط رقابت در این صنعت منجر می‌شود.

مشکلات ناشی از نظام تعرفه‌بندی محصولات نساجی و پوشاک و صنایع پشتیبان آن، مشکلات ثبت برند به‌ویژه به دلیل تعدد نهادهای متولی، فشار ناشی از تحریم بر همکاری‌های تجاری و اقتصادی بازیگران حوزه نساجی و پوشاک، هزینه‌های مربوط به بیمه کارگران صنایع نساجی و عدم هماهنگی دستگاه‌های مجری در طول زنجیره ارزش این صنعت و انتظام‌بخشی به آن نیز از چالش‌های اصلی ناشی از عملکرد محیط سیاستی دور هستند.

## \*راه‌حل مشکلات و موانع

براساس گزارش منتشرشده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، راه‌حل مشکلات صنایع نساجی و پوشاک در پنج راهبرد پیشنهادی ارائه شده است.

در اولین راهبرد، بر ایجاد و تکمیل زنجیره تامین پایدار و باکیفیت در صنایع نساجی و پوشاک و صنایع پشتیبان آن تاکید و در این راستا، به اقداماتی از جمله هماهنگی وزارتخانه‌های صمت و نفت به منظور نیازسنجی و برنامه‌ریزی برای ایجاد واحدهای جدید